14749.f.18.

K. Great Britain and Ireland.

SUMMARY

OF SUCH OF THE

CLAUSES

OF THE

ACT of PARLIAMENT, of the 18th of MAY 1784,

AS RELATE TO THE

NATIVES of INDIA.

TRANSLATED INTO THE PERSIAN LANGUAGE,

BY

EDWARD COLEBROOKE.

PUBLISHED BY ORDER OF THE

HON. THE GOVERNOR GENERAL AND COUNCIL.

M,DCC,LXXXV.

~~Rec. 12/6~~

ترجمه حکم نامه ولایت

ترجمه حکم نامه ولایت

درمیان هندوستان مملکتهای که مقبوضه و محروسه انکریز است برای احسن الانتظام و انصرام امورات مالی و ملکی و پاسبانی و حراست آن درسنه بیست و چهار جلوس والا سیومی جارج مطابق سنه یک هزار و هفتصد و هشتاد و چهار عیسوی از بارگاه فلک جاه عالمیان پناه شهنشاه انکریز خلدالله ملکه و سلطنته بحسب صلاح و صوابدید ارکان السلطنت لایزال عضدالدولت ابداتصال مدبران مهمات عظمی و دانشمندان مدارج کبری وزرای مدارالمهام پرلمنیت ازانجه احکام واجب الاذعان جهان مطاع کارنامه انتظام و انجام عدیم البدل بی نشان شرف صدور کردیده منجمله آن حکم های که متعلقه صوبه

اقرار خواهند نمود و براي ادراک روش چگونگي کل امورات تمامي
دفاتر کمپني هرگاه بواسطه ملاحظه خواهند خواست ميتوانند طلبيد و معرفت
درکتران کمپني کاغذاتيکه ازهندوستان نزد درکتران خواهد رسيد
آن کاغذات و ماورای آن لوازمه ازانچه خواهند خواست تمامي نقول
کاغذات بروقت طلبيده به تنقيح خواهند پرداخت و اگرکاهي درکتران
کمپني براي طرح روش اجراي امورات مالي و ملکي هندوستان
حکم فرستادن خواهند خواست باسترضاي آن مدارکاران خواهند
فرست مکرمروج کارهاي کورنر جنرل و کونسليان و غيره کارپردازان
کارهاي ملکي و سرداران لشکر و عزل و نصب راج هندوستان
باقدار آن مدارکاران نخواهد شد درين باب محض تعلق ازکمپني
و درکتران کمپني خواهد شد و فلک بارگاه خلايق پناه شهنشاه انگريز
مجردا خودبدولت آن کسان که ازتجويز کمپني بهندوستان مقرر
خواهند گشت ازان طبقات هرکسي را که ازهندوستان طلب کردن
خواهند خواست طلب خواهند فرمود آئين

صوبهٔ بنگالا و بهار و اودیسا و غیره ممالک مشتمل بر مضامین رفاه و بهبود
جمیع خلایق و باعث امن و امان جمهور رعایا و برایا از مقیم و مهاجر
صو بجات مرقومه است آن همگی را بزبان فارسی ترجمه ساخته بموجب
حکم کورنر جنرل و صاحبان کونسل اشتهار داده می آید

آئین اول

حضرت ظل سبحانی قدر قدرت شهنشاه انگریز بسط الله ملکهٔ از
زمرهٔ زبدة الوزری صایب تدبیر شش کس را مقرر خواهند فرمود که
اینان بدار الملک انگریز مسند آراشده ازانچه در ذیل حکم نامهٔ
هذا تحریر میباید مطابق آن در میان هندوستان مملکتهای که محروسه
و مقبوضهٔ انگریز است تمامی امورات ملکی و مالی آن ملاحظه خواهند کرد
دیگر آنکه بموجب اجازت و حکم آن مدار کاران باستصواب در کتران
کمپنی تمامی مهمات جاری خواهد گشت آنها بهنگام مقرر شدن در ینکار
برای احسن انصرام بر طبق روایت کتاب آئین معاملت قسم و
اقرار

بند و بست ملک فیما بین امرا و اعزا و روسای عمدهٔ ملک هندوستان
مختار و حکمران بر دیگر کونسل از جانب کمپنی خواهد ماند و احکام کونسل
بنکالا بر دیگر کونسل که خواهد رفت اگر آن کونسل ازان احکام تخلف و
انحراف خواهد ورزید و تابع واری کونسل بنکالا نخواهد کرد پس
صاحبان کونسل بنکالا بجهت تغییر و تبدیل صاحبان آن کونسل
مختاراند صاحبان آن کونسل را بعزل خواهند رسانید لیکن اگر قبل از
رسیدن احکام کونسل بنکالا در آن کونسل حکم در کتران ولایت
بر خلاف حکم کونسل بنکالا بدین اشتباه که کونسل بنکالا وقت نوشتن
حکم از حکم در کتران ولایت واقف نبوده باشند رسیده باشد
حکم در کتران ولایت از حکم کونسل بنکالا بالاتر است آنزمان کونسل
دیگر ملک مطابق حکم در کتران ولایت عمل نمایند و در بنولا چون
ارادات عزایم مداخلت دیگر مملکت مقبوضه دیگر سرداران محض
بر خلاف حکم و مرضی و حرمت پرلمنیت است لهذا ممانعت

این معنی

آئین دویم

در کونسل بنگالا یکي کورنر جنرل و دویم جنرل فوج که مالک کل فوج کمپني خواهد شد و سیوم دو صاحبان کونسل در انتظام و رونق امورات ملک مقرر خواهند ماند و در کونسل مندراج و کونسل بنبعي یکیک کورنر و یکیک جنرل سردار فوج و دو دو صاحبان کونسل تقرر خواهند یافت و بکونسل مندراج سردار فوج انجا بدرجه دویم مقرر خواهد شد و در کونسل بنبعي سردار فوج بنبعي بدرجه دویم تقرر خواهد یافت و جنرل سردار تمامي افواج متعلقهٔ کمپني هر جائیکه خواهد رفت در کونسل انجا بدرجه دویمي مقرر خواهد کردید مکر بعد فوت یا استعفا کردن کورنر سردار فوج بپایه کورنري استقرار نخواهد یافت صرف بدرجه دویمي خواهد ماند هر کس که از کورنر بدرجه سیم کونسل خواهد بود همان کس کورنر خواهد شد و کورنر جنرل و کونسل بنگالا در هر امورات صلح و جنگ و هر سوال و جواب و رتق و فتق و

بندوبست

آئین سیوم

نالشهای بسیار بظهور پیوست که در میان هندوستان مملکتهای که محروسهٔ انکریز است در میان آن مملکتها بعضی بعضی راجه و زمیندار و تعلقدار و غیره مالکان زمین بسبب بی انصافی و تعدی انکریزان از زمینداری و حق موروثی خودها بی علاقه شده اند و بعضی را مال گذاری و پیشکش فوق المقدور افزود مقرر گشته بنابراین نظر به بلند مرتبه ولایت انکریز و سرامدگی قومیت و نصفت بر حق واجب اینکه نالشهای این همه امورات را بر تقدیر صدق اظهار انصاف واقعی شده درصورت اثبات و وفق وجدانی الحق تدارک آن نموده شود ازین جهت لازم اینکه در کتران کمپنی همین حکم از آغاز مروج روش این همه امور بلاتوقف مستوجب این امور امتیاز نموده برای تجویز و تحقیق سبب و علت این معنی را حکم نافذ بلااهمال و مسامحه بهندوستان بفرستند که مطابق آن هرکس زمیندار که از بی انصافی

انکریز

این معنی ها بر کونسل بنگالا بدین کونه است که بدون حکم در کتران ولایت
جای کسی را و عزیمت کرفتن ملک متعلقهٔ دیکران ننمایند و مصدر
جنک و فساد نشوند و عهد و پیمان این مضمون که او یک کس یک
متفق برای جنک و جدل و کفالت کار و عزم نمودن بمیان نه آرد و
هرکز کسی بی سبب به ارادهٔ فسق برای جنک و جدل بر مردمان و
ملک متعلقه کمپنی و دوستان و رفیقان کمپنی که کمپنی از آنها عهد
بند و کفیل در هرحال و مال از مدت هستند تیار شده کارزار نماید پس
در آنوقت کونسل بنگالا مختار اندمی باید که در استعجال تمام بنابر تنبیه
و تادیب او مستعد کردیده او را بسزا رسانند و بکونسل دیکر جا مطلقا
منع است که بدون حکم در کتران ولایت و کونسل بنگالا مصدر جنک
و جدل و عهد و پیمان هیچ نوع از کسی نشونده کر این را دریافت نمایند
که از عدم ظهور عهد و مواثیق خلل عظیم بکار کمپنی میشود دران حال
عهد و پیمان موقوف بر منظور و قبول کونسل بنگالا بنمایند

آئین

و قدري روپيه يا اجناس قيمتي بطريق نذر يا انعام بزور يا بخوشي
براي خود يا براي كمپني يا بواسطهٔ علاقهٔ كمپني يا براي كسي ديگر بگيرند
آن همه وجه ناحق و ايذا فهميده خواهد شد و موافق شمار آن وجه ها بعنوان
جرمانه در سركار پادشاه خواهد رسيد ليكن در عدالتيكه اين امورات را
تجويز خواهد شد اهل كاران آن عدالت را همين اقتدار است كه آن نذر
و انعام باقيمت از شخصي كه گرفته باشند همان شخص را باز پس
دهانند يا قدري يا تمام يا انچه مناسب مال مصادره باشد آن نذر و انعام
گيرنده گرفته باشد از آنكس هرچه مناسب دانند قدري ازان يا تمام بشخصيكه
تماشي باشد يا بكسيكه بعدالت ازين معني اطلاع داده باشد خواهند
دهانيد مگر وكلاي عدالتها و داكتران و پادريان را منع نيست براي رواج
طريق پيشهٔ خود ها انعام و نذر و عوض موافق رسم و دستور خواهند گرفت

آئين ششم

بكار تحصيل مالگذاري كمپني انگريز در هندوستان بسيار بد معاملي تو
نامناسب

انگریز جلاوطن و معزول العلاقه شده یا برکسانیکه ازروي واجبي فوق
الامکان مال گذاري سنگین مقرر گشته رفاهیت آن همه بدعت موافق
رسم و رواج هندوستان شود که درین باب واجبي نالشهاي احدي
درمیان مملکت انگریز نباشد

آئین چهارم

ازایام پیشین مقرر است که انگریزان ولایت ازانچه تقصیر و بي انصافي
درمیان مملکت هندوستان متعلقهٔ انگریز خواهند کرد عدالت وسزاي آن
درولایت یادرهندوستان درعدالتیکه اینهمه تقصیرات تعلق برآنعدالتدارد
خواهدشد درینولا ازابتداي الحال چنین مقرر گشته که انگریزان ولایت
ازهرچه گناه وکار بي انصافي درمیان هندوستان سیواي ممالک محروسه
انگریز بجاي دیگر هم نمایند آنرانیز عدالت و سزاوران عدالتها خواهدشد

آئین پنجم

اگر کسي انگریز بنوکري پادشاه یابنوکري کمپني درمیان هندوستان باشد
وقدر

یابعنوان دیگر بزور یابخوشی نخواهم گرفت و آنچه مال گذاری سرکار
کمپنی بهمه جهت [redacted] پنی خواهم رسانید ماسیوای آن
زیاده نخواهم گرفت

آئین هفتم

برای سزای بدمعاملی و بازداشتن ازان نوکران کمپنی را که در میان
مملکت هندوستان هستند باین صورت حکم صادر گشته که آنها بهنگام
رسیدن ولایت شمار دولت خود را ظاهر نمایند ازین قسمی که بالفعل
یاآینده بنوکری کمپنی در هندوستان هرکسیکه باشند آنها بعد رسیدن
ولایت بعرصه دو ماه نزد کارپردازان بهری خالصه شریفهٔ پادشاهی قسم
کرده دو پرت حساب و تعلیقهٔ تمامی دولت خود جدا جدا از نقد و جنس
که در ولایت یا در هندوستان یا بمکان دیگر که بوقت رسیدن آنها در
ولایت بدست خود یا بدست دیگر داشته باشند باین تفصیل که از
هندوستان چقدر و ازجای دیگر چقدر یافته اند و از تاریخ داخل شدن
بولایت

نامناسب واقع شده است برای ممتنع آن بدعتها حکم گردید که انگریزان در
بعلاقه معاملت مالگذاری به تحصیلداری و مختارکاری مال و سایر
مقرر باشند یا شوند آنها برای کار خود با پیش ازدخیل کاری بحضور
شخصی از کسان علمای صاحب احکام مسایل کتاب ملازم عدالت
کلان کلکته رفته از انچه در ذیل هذا تحریر میگردد مطابق آن در قسم نامه
دستخط خود نموده قسم خواهند کرد و نقل آن قسم نامه بسررشته عدالت
بطریق کارنامه خواهد ماند

شرح سوگندنامه

منکه فلان ام اقرار و قسم می نمایم که حتی المقدور خودبدیانت
و امانت کار تحصیل مالگذاری را که ازجانب کمپنی انگریز بمن مقرر سپرد
شده سر براه و انجام آن خواهم کرد و ازخود یا معرفت کسی ازنزدکسی
راجه یا زمیندار یا تعلقدار یا تعهددار یا رعایا یا کسی مال گذار قدری
روپیه یا ماسوای آن چیزی اجناس قیمتی بطریق انعام یا ندر
یا بعنوان

انگریز آئینهای عدالتها که مقرر است ماسیوای آن از مردمان ولایت

هرکس که بنوکری یاد ... هندوستان چیزی کار دارند

برای عدالت و انصاف تعدی و بدعت و بدمعاملی آنها و بتعجیل

سزا و تادیب بخداحقه به آنها رسانیدن جدیداً یک آئین مقرر

کرد و بنابرین یکقانون ... این تقریر یافت که بعد غره ماه مارچ سنه ۱۷۸۵

عیسوی از احدی الناس فریادی یا وکیل بادشاهی یا در کتران کمپنی

یا کمپنی از خود در مکان عدالت با... که نام آن عدالت کنس بنس

است هریک نالش ظلم وبد ... وغیره برسد علمای کتب مسایل

آن عدالت بران نالش ملاحظه و مقدار دعوی آن فهمیده

اگر مناسب دانند پس برای تقرر ... آن و طلب اسامی و گرفتن

کفیل و جوا... آئین آن عدالت حکم خواهند

کرد بعد ازان از ارکان و زرای پرسیت ده کس در کچهری عدالت

بادشاهی باتفاق سه کس علمای کتب عدالت بالضرور مقرر و متفق شده

تمامی

بولایت تا داخل نمودن حساب اگر ازه ولت بخود چیزي فروخت یا بکسي
داده باشند تفصیل آن هم خواهند نوشت ازان پس حساب یک حساب
دران کچهري خواهد ماند و یک حساب نزدیک درکتران کمپني
خواهند فرست که حصه داران کمپني ملاحظه نمایند اگر درمیان سه سال
بعد داخل نمودن حساب چیزي ناشي برای نادرست یا غلط بودن
آن حساب ازکارپرداران پادشاهي یا ازدرکتران یا از حصه داران کمپني
وکس که حصه آنها کم از لک روپیه نباشد بظهور رسد پس
بتجویز درستي و نادرستي آن حساب تا انتهایش مقرر خواهند شد و
حکم این امورات که تا غره ماه جانوري سنه ۱۷۸۷ عیسوي بولایت خواهند
رسید بر آنها جلدي نخواهد

آئین هشتم

امورات ملکي و مالگذاري و سربراه تمامي مملکت محروسه انگریز و
انتظام بهبود تجارت کمپني باین دستور فهمیده شود که در مملکت

انگریز

تمامي امورات نالش تا انتهالش فهميده سزاو تاديب خواهند كرد

آئين بيستم

بموجب همين حكم نامه مردمان ولايت بولايت رسيده در دفعه هفتم

از انچه مندرج گشت مطابق آن بعد رسانيدن حساب بانقضاي

سه سال براي نالش كردن زياده ايام مقرر نيست لهذا اگر كسي بعد

گذشت مدت سه سال نالش نمودن اراده نمايد آن نالش شنوا نخواهد شد

آئين بيست و يكم

احكام هاي همين حكم نامه در ميان هندوستان از ابتداي غره ماه جانوري

سنه ۱۷۸۵ عيسوي جاري خواهد شد